

قلب اسرائیل

زکریا ۸ ، ۲۰ تا ۲۳

«20 خداوند لشکرها چنین می فرماید: بار دیگر قومها و ساکنان شهرهای بسیار خواهند آمد 21 و ساکنان یک شهر به شهر دیگر رفته، خواهند گفت: "بیایید برویم تا از خداوند مسئلت نماییم و خداوند لشکرها را بجوییم، و من نیز خود خواهم آمد 22". آری، قومهای بسیار و ملت‌های نیرومند خواهند آمد تا خداوند لشکرها را در اورشلیم بجویند و از خداوند مسئلت کنند 23. خداوند لشکرها چنین می فرماید: در آن روزها، ده تن از همهٔ زبانها و قومها دست به دامن یک یهودی شده، خواهند گفت: "بگذارید همراه شما بیاییم، زیرا شنیده‌ایم که خدا با شماست

در ساعت ۶ صبح ندای مؤذن از مسجد معروف الاقصی در اورشلیم می آید. در یک مهمانخانه ی کوچک جوانان در شهر قدیمی می نشینیم و اجازه می دهیم بوها و صداها شهر به دماغ و همه اندامان نفوذ کنند. اورشلیم! ای اورشلیم! شهر مقدس! اورشلیم شهر صلح! اورشلیم شهری که در آن نجات جهان از طریق عیسی مسیح به ما انسانها آمد. هر کسی که تا به حال به اورشلیم رفته است می تواند تأیید کند که چیز خاصی در مورد اورشلیم وجود دارد! حتی اگر سنگ‌های قدیمی اکنون پر از فروشندگان متعددی هستند که می‌خواهند مزاحم شما شوند تا کالای نامرغوب چینی بخرید. علاوه بر این، سربازان در هر کجا دیده می شوند. به این دلیل زیارتگاه های قدیمی امروز با پرخاشگری و نفرت مشخص می شوند. با این حال اورشلیم، اورشلیم باقی می ماند. به نوعی همه چیز را احساس می کنید و نمی توانید آن را با کلمات توصیف کنید. آنچه شما احساس می کنید قلب یا روح اسرائیل است. و با این حال شما را غمگین می کند. زیرا به نظر می رسد روح یا قلب اسرائیل گم شده است.

زکریا نبی آنچه را که نامفهوم بود به زبان آورد. قلب اسرائیل! او پیش بینی کرد که همه ملت ها این قلب را در اورشلیم جستجو خواهند کرد. در زمان زکریا چنین سخنان و افکاری غیرقابل درک بود، زیرا در آن زمان اورشلیم بی اهمیت، و کوچک بود. و با این حال به زکریا لطف شد که بتواند بسیار بیشتر از واقعیت های زمان خودش ببیند. او در رؤیای نبوی خود مردمی را دید که از تمام نقاط جهان می آمدند. او دید که این مردم نه تنها خدا را جستجو می کنند، بلکه قلب خود را باز می کنند و دست در دست هم با اسرائیل راه می روند. در زمان ما چنین ایده ای غیرقابل تصور است. اسرائیل بر لبان همه ملت ها است، اما دل و جان هیچ کس با اسرائیل نیست. اگرچه اکثر مردم نسبت به دلیل حمله تروریستی حماس به مردم اسرائیل تسلی دادند، لحن های همدلی، شفقت و همبستگی به سرعت ساکت شد چون نیروهای دفاعی اسرائیل ضد انسان ها بی که در نوار غزه زندگی می کنند با خشونت بسیار عمل می کنند. الان قطعنامه ای از همه ملتها علیه اقدامات اسرائیل دنبال می شود! حتی در اسرائیل، صداها علیه سیاست خودشان روز به روز قوی تر می شود. برای اولین بار حتی افراد مذهبی هم برای پیوستن به ارتش فراخوانده شدند. این افراد مذهبی اکنون می گویند که دعا های آنها تا به امروز قوم اسرائیل را حفظ کرده است. و اگر آنها به جنگ بروند دیگر اینطور نخواهد بود و این به معنای سقوط نهایی آنهاست! زیرا قلب مقدس اسرائیل نابود خواهد شد. زکریا نبی آینده را دید. و آنچه او دید در واقع این قلب در اسرائیل بود. می توان گفت چیزی را دید که اسرائیل را اسرائیل می کند. او آهنگرایی دید که همه ملت ها را جذب می کند. و آنچه زکریا دید این بود که اسرائیل نه تنها ملتی برای خود ساخت، بلکه برای همه ملتها. پس معنی حرفش چیست؟ و چه چیزی اسرائیل را برای همه مردم خاص و مقدس می کند؟ و چرا اسرائیل در عین حال مورد تحسین و نفرت قرار می گیرد؟ دهمین یکشنبه پس از تثلیث یکشنبه اسرائیل است. این یکشنبه ما را به یاد ویرانی اورشلیم می اندازد. ما همچنین وعده دائمی خداوند به قوم اسرائیل را به یاد داریم. و ما مخصوصاً برای قوم اسرائیل دعا می کنیم تا آنها آنچه را که منجر به نجات شان می شود بشناسند و نجات دهنده مسیح را از میان خود بشناسند و اعتراف کنند.

زکریا نبی مدت ها قبل از زمان عیسی زندگی می کرد و به ما نگاهی اجمالی به زمان عیسی می دهد. وقتی می گوید ۱۰ مرد از هر ملت دنیا گوشه ی دامن یک یهودی را می گیرند و می گویند: «بگذارید همراه شما بیاییم، زیرا شنیده‌ایم که خدا با شماست!» او به مراسم خدمت یهودی اشاره می کرد. تا به امروز، تعداد شرکت کنندگان یک مراسم یهودی دست کم ۱۰ نفر است. و گوشه ردای که او از آن صحبت می کند احتمالاً لباس دعای یک مؤمن یهودی است. احتمالاً عیسی دقیقاً این نوع لباس را می پوشید و به همین دلیل مردم او را خاخام خطاب می کردند. بنابراین زکریا در اینجا چشم انداز صدای خدا را شنید که بسیار فراتر از قوم اسرائیل است و کل جهان را در بر می گیرد. و همه اینها واقعاً از طریق این خاخام عیسی اتفاق افتاد: اولین افرادی که آمدند ستاره شناسان منطقه فارسی زبان

بودند. آنها در اورشلیم درباره پادشاه تازه متولد شده یهودیان تحقیق کردند. سرانجام او را در بیت لحم یافتند و او را پرستش کردند. پس از به صلیب کشیده شدن و رستاخیز عیسی، بسیاری از مردم از تمام زبان های جهان دوباره گرد آمدند. آنگاه پطرس برخاست و کلام خدا را موعظه کرد و پس از آن این مردم از تمام زبانهای جهان گفتند: «ای برادران، چه کاری باید کنیم؟» و پطرس پاسخ داد: «توبه کنید و هر یک از شما تعمید یابد. به نام عیسی مسیح»

و پیشگویی زکریا در واقع به این صورت محقق شد. یک نفر به پیش دیگری رفت و پیام عیسی از شهری به شهر دیگر و از کشوری به کشور دیگر رفت. وقتی واقعیت های سیاسی زکریا را در نظر بگیرید، شگفت انگیزتر است. زکریا توانست تشخیص دهد که وضعیت سیاسی عامل تعیین کننده نیست، بلکه خدایی است که پشت آن ایستاده است. در زکریا ۴: ۶ این خدا می گوید: "نه به قدرت و نه به قوت، بلکه به روح من؛" و چون چنین است، زکریا توانست واقعیت های سیاسی را به پس زمینه سوق دهد و به آنچه واقعاً از طریق عیسی مسیح تحقق یافت، نگاهی بیندازد. از منظر انسانی، ظاهر شدن عیسی با ۱۲ شاگرد مانند یک شکست بزرگ به نظر می رسید. اما از زمان عید پاک مشخص شد که این دقیقاً جایی است که خدا از طریق روح خود کار خواهد کرد. از طریق عیسی، مردم نزدیکی خدا را تشخیص می دادند. و این موضوع در خلال سردرگمی های تاریخ بشری ما، به همین شکل باقی مانده است. آنچه زکریا با رؤیای نبوی خود دید، رسالت خداوند بود که در آن مردم داوطلبانه نزد عیسی می آمدند. این «مأموریت که صدا می زند: «بیا» از جانب خداوند تا امروز به همین شکل باقی مانده است. و سوال این است که چرا مردم باید بیایند؟ نیروی محرکه چیست؟ و کدام آهنربا چنان جاذبه ای دارد که همه مردم به آن جذب شوند؟ و قلب اورشلیم الان کجا رفته است؟ وقتی امروز به اورشلیم نگاه می کنم و می بینم چه اتفاقی در آنجا می افتد، فقط می توانم تناقض ببینم. اما باید در همان زمان تشخیص داد که همیشه همینطور بوده است. در زمان زکریا هم همینطور بود. نجات خدا در تضاد کامل با رویدادهای سیاسی رخ می دهد. نشان پیروزی خداوند یک موفقیت سیاسی نیست. نه، نشان پیروزی صلیب، در برابر گناه، مرگ و شیطان قابل درک است! از منظر انسانی یا سیاسی، نشان پیروزی صلیب برنامه ای برای موفقیت نیست. ما نمی بینیم که مردم دسته به دسته توبه کنند و راه خود را برای بازگشت به کلیسا پیدا کنند. همچنین هیچ قدرت سیاسی وجود ندارد که از کلیسا ساطع شود. و این خوب است! و با این حال، خدا به ما علائم کوچکی می دهد که نشان می دهد او در راه است. مردم از همه ملت ها می آیند و می خواهند تعمید بگیرند. مردم اینجا و آنجا نیز راه خود را به سوی خدا پیدا می کنند. افرادی که فکر می کردیم دیگر به کلام خدا علاقه ندارند، برمی گردند. و هر بار که کسی توبه می کند یا تعمید می گیرد، معجزه خداوند است. اینکه امروز اینجا جمع شدیم هم معجزه خداست. چون اینجا هستیم، می دانیم که خدا در راه است. همانطور که زکریا پیشگویی کرده بود، می توانیم کمک کنیم و دست در دست مقدسین بگذاریم. ما اجازه داریم موانعی را که در قلب مردم وجود دارد از طریق روح خدا برطرف کنیم تا آنها نیز بتوانند تشخیص دهند کجا خدا پیدا می شود. و آنها می توانند احساس کنند: «اینجا جایی است که می توانم آرام باشم چون خدا اینجا است.» به ما اجازه داده می شود که با پیران، بیماران و کسانی که در خلوت هستند تماس بگیریم. ما می توانیم آنها را در انواع نیازها حمایت کنیم. همچنین می توانیم از بچه های کوچکی که از همان ابتدای زندگی شان بدی را تجربه می کنند، با آغوش باز و دل باز پذیرایی کنیم. ما همچنین می توانیم افرادی را که بیگانه هستند و زبان ما را نمی فهمند با محبت خدا بپذیریم. ... افرادی را که ممکن است مورد تحقیر دیگران قرار گیرند پشتیبانی می کنیم. و ما در شگفتیم که راه به اورشلیم چندان دور نیست. او در ماست. آنجا که عشق خدا گسترش می یابد، مردم تشخیص می دهند که خدا آنجاست! و بعد دست ما را می فشارند و می گویند: «ما می خواهیم با شما ارتباط برقرار کنیم، زیرا خدا با شماست.» ما مسیحیان می توانیم سنگ هایی را که بسیاری از مردم را باز می دارد، برداریم تا آنها بتوانند راه خود را به اورشلیم بیابند. سنگ های نفرت، شکست و بی تفاوتی را می توان پاک کرد تا دل ها باز شوند. حتی کوچکترین چیزها موفقیت را به ارمغان می آورند. و اگر بسیاری از مردم دست دراز کنند و هر یک مانع کوچکی را برطرف کنند، به زودی کل راه روشن خواهد شد. و این بسیار سریعتر از آنچه که ما می توانیم تصور کنیم انجام خواهد شد. ما همه اینها را انجام می دهیم زیرا خدا از طریق روح خود صحبت می کند. و هنگامی که خدا از طریق روح خود صحبت می کند، قلب باز می شود و اورشلیم در میان ما حضور می یابد! آمین